

کم تا همه شکسته شوم کمال خدا نیست باز آمدیم بسین امام حسین رضی
 الله عنهم ویرا اینجا نشاندیم یعنی بر لب حوض کوثر تا ببینی که
 تشنگان عرصات را چو چگونه آب میدهند چون علی بن ابی طالب با یاران
 بکربلا رسید بر عباس را گفت محضی که این چه جا است چیزی نشانی داده
 اند قیلوله کرد در خواب دید آنچه دید بیدار شد دید بر آب کرد و گفت صدق
 الله ورسوله و حسین مینگرست و با وی نمی توانست گفت گفتند ای علی چه
 افتاد گفت من رسولی ام علیه السلام اینجا نشانی داده است و آن نشانی دیدم جماعتی
 آمدند جوان در میان ایشان نشانه کشته خواستم تا او را آید هم حسین خود
 را دیدم در دلی نهایت رسید سری حسین را در کنار گرفت گفت جان بداد
 شهید خواهی شد سوار ای عجب اسماعیل را ندانم پدر احسین را ندانم
 نیامد جواب آری فدای حسین دیدم امت محمد خواهد بود که چندین هزار
 موحد تا دامن قیامت خوارند برده می بارند دیگر کار حلق اسماعیل را
 نبرد که اینجا بر خلیل بود و اینجا بر حبیب اینجا محنت نشان محبت است کم
 سر را می برند هر که تاج محبت خود بر سر بندد بلاهای عالم بوی فرستد یکی
 گفت خدا یا هر روز بر این نزدیکی تر میشود هفتی او را داد که تا تو مارا

دوست

دوست میداشت بلاها را از خود دور می کردیم اکنون ما تو را دوست میداریم بلا
 بتو میفرستیم دیگر کار حلق اسماعیل را نبرد زیرا که کار بدست بد بود
 شفقت بدار بریدن باز داشت اینجا کار در دست دشمن بود کار چون بر شد
 زنی تیز کرد دیگر اینجا کار نبرد که اسماعیل صد فرجه حیران محمد بود
 بی کوه راست نیاید که صد فرجه بی کوه قیمت نبود
 قوله تعالى يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا و مبشرا و نذرا و داعيا
 الى الله يادني و سراجا منير اكون من عالم صلى الله عليه وادار قنار بقا
 دخلت كرجله صحابه لقتان بودند و بالا از همه دلتنگ تر زیرا که رسول
 بد غریبان و بیچارگان بود و بالا را هر غمی که بودی با وی گفتی هر چند جهد
 کرد قادر مدینه مقام در فراق انحضرت طاق نداشت روی بسوی شام نهاد
 گفت روضهای پیغمبران دیگر از یارت کم بود که دل را نسلی بدید آید چون
 بشام رفت بجهت شهری که می رسید و برای دیدن استقبال میکردند و تعزیت
 رسول میداشتند آری هر که یاد کار رسول داد دوست را بدید از دوست یا
 کند در شامی بود و در فراق محمد روزگار میکند راند آنکه از صحبت محمد محروم
 ماند و بخور کرد آنکه از رحمت خدا دور ماند تا حال وی چگونه بود مدتی